

The Systemic Model of Social Structure From the Perspective of Imam Ali (AS)

Abbas Shafiei*

Hossein Rezaei**

Abstract

The present article with the title; The systemic model of social structure is from the perspective of Imam Ali (AS), which collects information in a descriptive-analytical way with a documentary-library method, and the type of analysis is based on content analysis. The stratification system is one of the concepts that is studied and analyzed in the description of the social structure. And the Islamic society is like a supersystem that is made up of sub-systems. Therefore, this work seeks to explain the existence of systems and transform it into the correct social model, as well as the characteristics and tasks of each system in the form of inputs and processes of the system model in order to achieve the hypothesis that the existence of these subsystems and supersystems in society requires each other, pays.

Therefore, according to the outputs of the systemic model, the goal of this work is that Imam Ali (a.s.) mentioned the need and dependence of each class on each other in Nahj al-Balagha, and the consistency and stability of each class to reach He knows the stage of evolution and excellence dependent on other classes; In addition, the results show that the systemic model of the social structure has input elements, process elements and output elements.

Key Words: social stratification, model, system, social structure, Imam Ali (AS).

* associate professor of the research institute of the field and university, Qom, Iran,

ashafiee844@gmail.com

** Ph.D. student of Quran and Hadith, Hozwa Research Institute and University; (Responsible Author)

rezayimohabbat@gmail.com

الگوی سیستمی ساختار اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

عباس شفیعی*

حسین رضایی**

چکیده

مقاله حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و با روش اسنادی-کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و نوع تجزیه و تحلیل در آن بر مبنای تحلیل محتواست. نظام قشربندی از مفاهیمی است که در توصیف ساختار اجتماعی بررسی و تحلیل می‌شود و جامعه اسلامی بسان ابرسیستمی است که از خرده‌سیستم‌ها تشکیل یافته است. از این رو، این اثر درصدد تبیین وجود سیستم‌ها و تبدیل آن به الگوی صحیح اجتماعی است. همچنین، به مشخصه‌ها و وظایف هر سیستم در قالب درون‌دادها و فرایندهای الگوی سیستمی به منظور دستیابی به این فرضیه می‌پردازد که وجود این خرده‌سیستم‌ها و ابرسیستم‌ها در جامعه نیازمند یکدیگر است. از این رو، با توجه به بروندادهای الگوی سیستمی، هدفی که این اثر دنبال می‌کند آن است که امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه، احتیاج و وابستگی هریک از طبقات به یکدیگر را متذکر شده و قوام و پایداری هریک را برای رسیدن به مرحله تکامل و تعالی منوط به دیگر طبقات می‌داند. افزون‌بر این، نتایج نشان می‌دهد که الگوی سیستمی ساختار اجتماعی دارای عناصر درون‌دادی، عناصر فرایندی و عناصر بروندادی هستند. واژگان کلیدی: امام علی (علیه السلام)، قشربندی اجتماعی، الگو، سیستم، ساختار اجتماعی.

مقدمه

امیرمؤمنان (علیه السلام) جامعه را همچون ابرسیستمی در نظر می‌گیرد که از خرده‌سیستم‌ها و اجزای گوناگونی تشکیل یافته است. این ابرسیستم دارای عناصر دروندادی، عناصر فرایندی و عناصر بروندادی است. از این رو، اگر هریک از اقدامات و سفارش‌هایی که حضرت به‌عنوان نسخه‌ای شفافبخش در اختیار هریک از اقشار گوناگون جامعه قرار می‌دهد، صحیح و بجا استفاده شود، جامعه روی سعادت و رستگاری را خواهد دید و این دستورات برای بهتر عمل کردن هریک از خرده‌سیستم‌هاست تا به یک نظم و هماهنگی و در نتیجه، مقصد معین نائل آیند.

تردیدی نیست که جوامع بشری به سبب عوامل طبیعی و زیستی با تفاوت‌ها و تمایزها و نابرابری‌هایی روبه‌رو بوده‌اند و یا انسان‌ها به‌وسیله عوامل اجتماعی، علمی، فرهنگی، دینی، اقتصادی، و... از موقعیت‌ها و مرتبه‌ای گوناگون و متفاضلی برخوردار شده‌اند، سیستم‌های اجتماعی، براساس ضرورت‌ها و نیازهای جوامع به وجود می‌آیند و لازم است که افراد در آن جایگاه‌های مختلف حضور پیدا کنند. گاه این حضور واجب کفایی است؛ در صورتی که افراد شایسته‌ای برای آن مقام باشند و گاه واجب عینی است؛ در صورتی که توان انجام آن کار تنها در اختیار یک نفر یا عده‌ای باشد (هیئت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۳، ص ۲۶۱). بنابراین، به تعداد موقعیت‌ها و جایگاه‌های لازم جامعه قشر و طبقه به وجود خواهد آمد. در نامه‌ایی که حضرت خطاب به مالک اشتر در حین گماشتن وی برای استانداری مصر می‌نویسد، بر این نکته (موقعیت و جایگاه) توجه داشته و می‌فرماید:

«بدان که ملت آمیزه‌ای است از قشرهای گوناگون که هر جزء آن جز در پیوند با جزء دیگر سامان نمی‌یابد و بخشی بی‌نیاز از بخش دیگر نیست...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

بیان مسئله

بدون تردید، قشربندی اجتماعی وضعیت یا حالتی است که در آن انسان‌ها، براساس میزان استفاده و برخورداری از مزایا و کیفیت‌های مطلوب، رتبه‌بندی و دسته‌بندی می‌شوند. در کشورهای مدرن و پیشرفته، کیفیت‌های مطلوب از تحصیلات عالی، درآمد و حقوق بالا، ثروت و دارایی‌های چشم‌گیر و دارا بودن منزلت و جایگاه ویژه و یا یک اشتغال آبرومندانه ناشی می‌شود که نشانه الگوی ساختاری جامعه آنان است (و ثوقی، ۱۳۷۰، ص ۲۹۷). اما اکنون باید بررسی نمود که آیا الگوی جامع در ابعاد ساختاری و محتوایی از اقشار اجتماعی را می‌توان از سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) استخراج، طراحی و ارائه نمود؟

پاسخ صحیح به این پرسش ابعاد مجهول مسئله را آشکار می‌کند و خلأ این پژوهش را چیزی پر می‌کند که همان ترسیم الگوی سیستمی ساختار اجتماعی از منظر امام علی (علیه السلام) است؛ زیرا به نظر می‌رسد از نگاه امام علی (علیه السلام)، بودن در طبقه یا نبودن در طبقه‌ای دیگر، به‌خودی‌خود، دارای ارزش نباشد؛ بلکه ارزش فرد یا طبقه، در گرو رفتارها، بینش‌ها، آگاهی‌ها و ایمان و نگرشی است که شخص در آن قرار داشته و گام می‌نهد و برای رسیدن به مقصد تلاش می‌کند. بنابراین، با توجه به آموزه‌هایی که از گفتار و سیره امیرالمؤمنین قابل برداشت است و نقش و جایگاه ویژه ایشان در حکومت‌داری، ارتباط با مردم، اجرای واقعی عدالت و تنظیم برنامه‌هایی که برای اقشار گوناگون جامعه تبیین کردند، درصدد برآمدیم تا الگو و مدلی را طراحی و معرفی کنیم. از این‌رو، اثر حاضر، با محوریت کتاب نهج البلاغه به‌عنوان مهم‌ترین منبع سخنان حضرت امیر به‌ویژه نامه ۵۳ که ناظر به این مسئله بوده است به مؤلفه‌های اصلی قشربندی اجتماعی اشاره نموده است.

کلیات (تعاریف و...)

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

برای ارائه تعریفی از سیستم باید گفت: مجموعه‌ای از اجزای به هم مربوط و مرتبط با یکدیگر، برای تأمین هدفی معین و مشخص است. بنابراین، این تعریف دارای سه رکن محوری است (اجزا، تعامل، هدف). در عربی «نظام» و در فارسی «سامانه» جایگزین سیستم می‌شود. در یک سیستم هرچقدر تعامل اجزای سیستم را سریع‌تر و آسان‌تر کنیم، عملکرد کلی سیستم بهبود خواهد یافت (زاهدی، ۱۳۷۶، ص ۷). معنای لغوی الگو به سرمشق، مقتدا، اسوه، مثال، مدل، قده و... گفته می‌شود (لغت‌نامه دهخدا). و در معنای اصطلاحی، الگو، نمایش نظری و ساده شدن از جهان واقعی می‌باشد. برخی الگو را به‌عنوان قسمتی که کیفیت کل یا شکل را نشان می‌دهد و برخی آن را به‌عنوان نموداری که راه عادی یک رفتار یا عمل و یک ساختار ادراکی را نمایش می‌دهد، تبیین کرده‌اند (هومن، ۱۳۸۶، ص ۶۵). اصطلاح الگو را انسان‌شناسان، دست‌کم از سال ۱۸۷۱ به مفهومی چندجانبه به‌کاربرده‌اند که این کاربرد تا امروز ادامه دارد. بر همین اساس، از الگو، گاه در توجه به کیفیت‌های رفتاری، الگوهای آرمانی و رفتاری و گاه در توجه به اصول فرهنگ‌ها یاد شده است (گولد، ۱۳۷۶، ص ۹۱) (از کل به جزء و یا از جزء به کل).

با توجه به اهمیت مسئله قشربندی، طبقات و نابرابری‌های اجتماعی در دانش جامعه‌شناسی، به‌گونه‌ای مستقل مورد پژوهش متفکران جامعه‌شناسی قرار گرفته است و آثار آنان در قالب کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها تحریر و نگارش شده است. اما در یک مجموعه منسجم و با

معرفی الگو ساختار اجتماعی از نظرگاه حضرت امیر (علیه السلام) فعالیتی دیده نشده است. در اینجا، با توضیحی مختصر، برخی از پژوهش‌ها نام برده می‌شود که به نابرابری‌ها یا از زوایای دیگر به موضوع قشربندی پرداخته‌اند.

از مهم‌ترین منابعی که به این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان به کتاب جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، تألیف ملوین تامین (۱۴۰۰) نام برد که در آن به قشربندی اجتماعی جامعه امریکا پرداخته است. همچنین، کتاب نابرابری اجتماعی: آراء نظریه‌پردازان معاصر و کلاسیک، تألیف ادوارد گرب (۱۳۹۴) نام برد. در این کتاب دیدگاه دو مکتب کلاسیک و معاصر تبیین شده است. همچنین، مقالاتی با عناوین قشربندی و طبقه‌بندی انجام شده است که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

الف) مقاله سیر طبقات اجتماعی و ویژگی‌های خانواده در ایران قدیم، حشمت‌الله طیبی (۱۳۵۰) به بررسی جریان طبقات اجتماعی و ویژگی‌های آن در دوران گذشته ایران می‌پردازد؛

ب) گونه‌شناسی طبقات اجتماعی در قرآن، علی اخترشهر (۱۳۸۰)، در این تحقیق به عوامل قشربندی و چندقطبی شدن جامعه اشاره و گونه‌های طبقات اجتماعی در دو بعد مادی و معنوی بررسی شده است؛

ج) مقاله عوامل ظهور طبقات در قرآن و حدیث از جمال فرزند وحی و عباداله جولایی (۱۳۹۲): در این مقاله پس از بیان مفهوم و تعاریف واژگان، دیدگاه کارکردگرایی، تضادگرایی و تلفیق‌گرایی به اختصار بیان می‌شود. سپس عوامل پیدایش طبقات در قرآن در قالب طبقه مشرک و موحد، طبقه منافق و غیرمنافق ... بررسی می‌شود؛

د) منشأ طبقات اجتماعی و قرآن، از داود سلیمانی (۱۳۸۷): این اثر مفهوم طبقه و جایگاه ارزشی طبقات از دیدگاه قرآن را واکاوی کرده است؛

ه) بررسی مفهوم ساختار اجتماعی در اندیشه اندیشمندان علوم اجتماعی، سیدمصطفی حسینی سیرت (۱۳۹۶)، این مقاله آراء متفکرانی همچون هابرماس، گیدنز، آلتوسر و زیمل را در باب ساختار روابط اجتماعی مطرح می‌نماید.

و) تجدید مفهوم‌سازی شاخص قشربندی اجتماعی: نقدی بر شاخص‌های رایج قشربندی اجتماعی، از حمید عبداللهیان و هوشنگ نایی (۱۳۸۲). در این مقاله لزوم مبتنی بودن شاخص قشربندی اجتماعی بر مفهوم‌سازی نظری مطرح شده است. سپس به تمایز مفهوم طبقات اجتماعی از نگاه مارکس با دیپوس و مور پرداخته می‌شود.

ز) بررسی قشربندی اجتماعی در اسلام، نازی عبدالله‌پور و فریبا جعفرزاده (۱۳۹۱): این مقاله

به بررسی دیدگاه‌های برخی از مکاتب و ادیان گوناگون با دین اسلام درباره قشربندی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که در برخی ادیان بر اثر رفتارهای نامناسب و فرهنگ‌های نادرست، نابرابری‌های اجتماعی و تضییع حقوق را به دنبال می‌آورند.

ح) طبقات اجتماعی از مجید محمدی: این مقاله به تعاریف قشربندی و طبقه‌بندی، کاست و تحرک‌های اجتماعی و شیوه‌های زندگی طبقات اجتماعی می‌پردازد.

ط) پیامبر اکرم و نظام قشربندی اجتماعی، از محمد اسلم جوادی (۱۳۸۵): در این مقاله قشربندی در اسلام تعریف شده و قشربندی‌های عصر پیامبر ارزیابی می‌شود.

ی) قشربندی و نابرابری اجتماعی، بررسی دیدگاه ماکس وبر در رابطه با قشربندی اجتماعی، محمدعلی امیرپورسعید (۱۳۹۸): در این مقاله، به مفاهیمی مانند منزلت، حزب، طبقه از دیدگاه وبر پرداخته شده است. سپس دیدگاه مارکس وبر در زمینه قشربندی اجتماعی و نظام سرمایه‌داری ارزیابی و بحث شده است.

ک) گذری بر حقوق متقابل مردم و حاکم در جامعه علوی، محمدرضا باقرزاده (۱۳۷۹): در این مقاله از مشروعیت حکومت علوی و حقوق متقابل هرکدام از حاکم و مردم بررسی شده است.

گ) دین و قشربندی اجتماعی، عماد افروغ (۱۳۷۳): در این مقاله، دین و کارکردهای آن و نظریات برخی اندیشمندان غربی کلاسیک مانند دورکیم، مارکس و ... تعریف و بررسی شده است. بنابراین، در هیچ‌یک از فعالیت‌های پژوهشی یادشده عناوین، مطالب، مسائل و مباحث این اثر دیده نشده است. از این رو، در این مقاله سعی شده به فهم الگوی واقعی ساختار اجتماعی و تحلیلی پی ببریم که ایشان از طبقات و قشرها و ابعاد مختلف آن ارائه می‌دهند (تحلیل دقیق چنین طبقه‌بندی و طبقات در جامعه).

تحلیل داده‌ها

الگوی سیستمی ساختار اجتماعی با توجه به گزاره‌های مستخرج از نهج البلاغه دارای عناصر دروندادی، عناصر فرایندی و عناصر برون‌دادی است که تحلیل دینی این الگو از منظر امام علی علیه السلام حائز اهمیت است. از این رو، تحلیل عناصر دروندادی، فرایندی و برون‌دادی با طرح سؤالات مرتبط انجام می‌گیرد (اثبات از طریق تحلیل محتوا).

تحلیل سؤال فرعی اول: عناصر دروندادی الگوی سیستمی ساختار اجتماعی از منظر امام علی علیه السلام

چیست؟

عناصر دروندادی در این الگو مشتمل بر نظامیان، نویسندگان و دبیران، قاضیان، کارگزاران دولتی،

جزیه‌دهندگان و مالیات‌دهندگان، بازرگانان و صنعتگران و نیازمندان است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱. نظامیان

نیرومندترین سیستم در جامعه فرماندهان نظامی به‌شمار می‌آیند و معمولاً با خطر و حادثه، دست‌وپنجه نرم می‌کنند. سپاهیان فرمانبردار آنانند و اسلحه در دست آنهاست و اگر درصدد شورش و طغیان برآیند، یا با توده مردم راه ستم و ظلم در پیش گیرند، هیچ نیرویی نمی‌تواند آنها را از این کار بازدارد. به‌علاوه، روحیه نظامی‌گری، که مایه انتظام ارتش است، خود مقتضی خطر است و ناخواسته آنان را مایه خطر می‌کند. افکاری که زمینه پیدایش این روحیه می‌شود، ناشی از احساس قدرت، برتری، توانایی سرکوب، و در نتیجه، احساس خودخواهی و برتری‌طلبی است. براساس این اندیشه و شناخت دقیقی که حضرت از روحیه خاص که اقتضای طبیعت شغلی، فرماندهان و لشکریان داشت، منشور حکومتی را برای آنان تبیین کردند (عابدی، ۱۳۸۶، ص ۳۵).
امام می‌فرماید: «قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمْرِكِ، وَ أَنْفَاهُمْ حَيْبًا...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ کسی را برای فرماندهی لشکر انتخاب کن که در نگاه تو نیک‌اندیش‌تر نسبت به خدا و پیامبر و پیشوای تو باشد و از همه پاکدامن‌تر و بردبارتر باشد. از کسانی که دیر به خشم آید، با پوزش خواستن از ایشان آرامش یابند و به ناتوانان مهربانی و بر زورمندان سخت‌گیرند و خشونت آنان را برنینگیزد و ناتوانی زمین‌گیرشان نسازد.

۲. نویسندگان و دبیران

دسته دیگر از این طبقات، دبیران خاص یا عام هستند که بالاترین دستگاه و سیستم هماهنگ‌سازی برنامه‌های دولت و ناظر اجرای آن، همین گروه‌اند. دبیران، همکاران و هم‌کیشانشان، به‌منزله هیئت‌وزیران و معاونان و مدیران کل هستند و همه امور دولت در زمینه‌های دفاعی و فرهنگی، اقتصادی و به‌طور کلی، هرکاری که برای حکومت پیش آید، به این گروه مربوط می‌شود. بنابراین صلاح، اعتدال و عظمت دولت، با درستی کار و استقامت حال آنان ارتباط مستقیم دارد (عابدی، ۱۳۸۶، ص ۳۵).
حضرت درباره این طبقه به مالک سفارش می‌کند: «ثُمَّ انظر فی حال کتابک... بأجمعهم لوجوه صالح الاخلاق ممن لا تُبطِئُهُ الكرامة فيجترى بها عليك في خلاف لك بحضرة ملا...»؛ بهترین دبیران را برای کارهایت انتخاب کن؛ زیرا باید نگهدار اسرار حکومتی باشد. موقعیت و مقامش او را دچار جرأت نسبت به تو نکند و در رساندن نامه و گرفتن پاسخ درست از آنها سهل‌انگاری نداشته باشد، و

قراردادی که به نفع تو است محکم کند و یا پیمانی که به ضرر تو است برهم زند و اندازه خود را در امور بداند؛ چراکه اگر اندازه خود را نداند به اندازه دیگران نادان تر است (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۳. قاضیان

«ثُمَّ اخْتَرَ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ مِمَّنْ لَا تَضِيْقُ بِهِ الْأُمُورُ وَلَا تُمَحِكُهُ الْخُصُومُ»؛ آنگاه برای قضاوت در میان مردم برترین شخص نزد خود را برگزین، کسی که در تنگنای امور قرار نگیرد، مدعیان پرونده او را به لجاجت نیندازد، در لغزش اصرار نرورد، وقتی حق را شناخت در بازگشت به آن در نماند، نفسش به آزمندی تمایل نیابد، به اندک فهم اکتفا ننماید، در شبهات از همه محتاط تر باشد، بیش از همه به دلیل تکیه کند، کمتر از رفت و آمد متخصصین ملول شود. در کشف واقعیات از همه صبورتر باشد. هنگام روشن شدن حکم از همه قاطع تر باشد. تمجید از او باعث عجب او نشود، و ستایش دیگران او را متمایل به یکی از طرفین دعوا ننماید (نهج البلاغه، نامه ۵۳). دستگاه قضا یا عدلیه، از مهم ترین و مؤثرترین قوای حکومتی است. به وسیله این قوه حق و باطل از هم جدا می شود، و حق ستمدیدگان از ستمگران گرفته می شود.

۴. کارگزاران دولتی

اندیشه ها و تئوری های مدیریتی امیرمؤمنان از دیگر اندیشه های بشری متمایز است و ویژگی هایی را داراست که هیچ متفکر غربی، در علم مدیریت به آن نرسیده است. حضرت با نگرشی انسانی و ارزشی به مدیریت نگاه می کند؛ زیرا آنچه در افق مدیریت مطرح است، انسان است و انسان، ابزار نیست. امام سازمان یا جامعه را بسان سیستم منظمی می داند که از هدفی والا برخوردار است. از این رو، مسئولان و والیان اداره این سیستم، به منزله دست های حاکم اند که به اطراف کشور دراز شده اند، و عواملی هستند که او را در اجرای فرمان هایش یاری می دهند، و خواسته های او را جامه عمل می پوشانند (رضایی، ۱۳۹۷، ص ۸۶).

امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در باب حمایت و مراقبت از کارگزاران شرط هایی را معین کرد تا انتخاب والیان با توجه به آن معیارها صورت پذیرد و نیز طریقه ای مشخص فرمود که برطبق آن رفتار کنند و حدود مشخصی تعیین کرد که آنان را از سوءاستفاده و خروج از محدوده مصالح عامه، که برای آن انتخاب شده اند، بازدارد و نگذارد آن را فدای مصلحت و منفعت شخصی خود کنند. ایشان می فرماید: «ثُمَّ أَنْظِرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ، فَاسْتَعْمَلَهُمْ اخْتِبَارًا وَلَا تُؤَلِّهِمْ مَحَابَّةً وَأَثَرُهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ. وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبَيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ...» (نامه، ۵۳)؛

کارگزاران را از کسانی که با تجربه و با حیا هستند، برگزین. همچنین، کارگزاران را از خاندان‌های صالح و از کسانی که در اسلام پیشگام‌تر هستند انتخاب کن؛ زیرا اینان دارای اخلاقی کریمانه‌تر و ابرویشان محفوظ‌تر و طمع کمتری دارند. و از نگرش و اندیشه‌ای ژرف‌تر برخوردارند.

۵. جزیه‌دهندگان و مالیات‌دهندگان

«وَتَقَدُّ أَمْرَ الْخَرَجِ بِمَا يُضْلِحُّ أَهْلَهُ...»؛ حضرت می‌فرماید: برنامه مالیات را به‌گونه‌ای رسیدگی کن که صلاح مالیات‌دهندگان باشد؛ زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات‌دهندگان است و کار دیگران سامان نیابد، مگر آنکه کار مالیات‌دهندگان سامان پذیرد؛ زیرا همه مردم جیره‌خوار مالیات و مالیات‌دهندگان هستند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳). اهل جزیه و اهل خراج از میان و اهل کتاب و دیگر مسلمانان مانند کشاورزان و دامپروران و... این طبقه را تشکیل می‌دهند. این طبقه بزرگ‌ترین گروه و سیستم در جامعه، و در زندگی اجتماعی مؤثرترین آنها هستند. از این‌رو، امام در عهدنامه خود به مالک اشتر، آگاهی کامل خود را از اهمیت این طبقه نشان می‌دهد و می‌فرماید: «مالیات هزینه‌های دولت را تأمین می‌کند و وسیله‌ای برای توزیع عادلانه ثروت و تعدیل درآمد در جامعه محسوب می‌شود (همان).

۶. بازرگانان و صنعتگران

حضرت به مالک می‌فرماید: «سفارش به نیکی در حق بازرگانان را پذیرا باش و در حق آنان به کارگزاران به نیکی سفارش کن؛ چه آنان که در یک جای مشخص مشغول به کسب هستند و چه آنان که در رفت‌وآمدند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). سالیان دور، کشاورزی سرچشمه عمده فعالیت‌های اقتصادی به شمار می‌آمد؛ اما امروزه بی‌تردید این تجارت است که مظهر فعالیت‌های اقتصادی در همه زمان‌هاست، و طبقه بازرگانان، واحد اجتماعی باارزشی را تشکیل می‌دهند که در موجودیت جامعه سهم مهمی دارد. هرگاه فعالیت‌های بازرگانی دستخوش پریشانی و نابسامانی شود، شک نیست که در تمامی ارکان جامعه خللی آشکار ظاهر خواهد شد؛ به‌طوری‌که وقتی در گوشه‌ای از مملکت، مردم دچار قحطی شدند، در نواحی دیگر مواد غذایی انباشته می‌شود، و هنگامی که در منطقه‌ای مواد مصرفی به‌وفور یافت می‌شود، کمبود مواد ضروری مناطق دیگری را به رنج و زحمت می‌افکند (رضایی، ۱۳۹۷، ص ۸۸).

۷. نیازمندان

امام علی (علیه السلام) در منشور حکومتی خویش، توجه و رسیدگی به محرومان را با تکرار الله الله (خدا را در نظر بگیرید) به مالک گوشزد می‌نماید: «ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعاً وَمُعْتَرِئاً وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ» (نامه ۵۳). این افراد از کسانی تشکیل می‌شود که یا به علت پیری و ضعف جسم، یا به سبب خردسالی و بی‌سرپرستی، و یا به جهت بیماری و ناتوانی، نمی‌توانند کاری انجام دهند، یا به کاری مشغول‌اند ولی کارشان کفاف زندگی آنها را نمی‌دهد و به علت کمی درآمد تهیه وسایل لازم زندگی برایشان میسر نیست. در نتیجه، نیازمند حمایت از جانب حکومت و مردم هستند (فغفور مغربی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵).

تحلیل سؤال فرعی دوم: عناصر فرایندی الگوی سیستمی ساختار اجتماعی از منظر نهج البلاغه چیست؟ منظور از عناصر فرایندی عناصری هستند که در سیستم اجتماعی دارای کارکردها و وظایف متقابل اند و می‌توانند نقش‌های مختلفی را ایفا نمایند؛ عناصر فرایندی این الگوی سیستمی دربرگیرنده وظایف متقابل دولت با گروه‌های مختلف اجتماعی و نقش‌های هر یک از آنهاست که در این بخش به آنها پرداخته می‌شود.

۱. وظایف متقابل دولت با نظامیان و نقش‌ها آنها

«فَالْجُنُودُ يَأْذِنُ اللَّهُ حُصُونُ الرِّعِيَّةِ وَزِينُ الْوَلَاءِ وَعِزُّ الدِّينِ وَسُبُلُ الْأَمْنِ وَلَيْسَ تَقْوَمُ الرِّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ»؛ مهم‌ترین وظایفی را که حضرت برای نظامیان بیان می‌کند، آن است که «هر فرماندهی، باید دارای چنان قدرت و نفوذی باشد که فرمانش به جان‌ودل پذیرفته شود؛ زیرا اولین چیزی که از یک سرباز خواسته می‌شود، فرمان‌برداری است، و بدون آن هرگز ارتشی به پیروزی نخواهد رسید. فرمانده باید از توانایی‌ها و لیاقت‌های تمام افرادی که تحت ریاست و فرمان او هستند، آگاهی کامل داشته باشد تا بتواند هرکسی را، در مقام لایق خود به کار گمارد؛ زیرا یک خطای کوچک و ساده در تشخیص فرمانده، چه بسا ممکن است به فاجعه‌ای بزرگ تبدیل شود. فرمانده نظامی باید فنون نظامی‌گری را بداند؛ یعنی کاملاً آگاه به اصول و فنون جنگی و برخوردار از دانش رهبری عملیات نظامی باشد. به‌علاوه اینکه لازم است، آگاهی دینی داشته و دارای چنان اخلاق مهذبانه باشد که دستش را از هرگونه تباهاکاری بازدارد، و قدمش را در راه راستی و هدایت، استوار سازد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲. وظایف متقابل دولت با قاضیان و نقش‌های آنها

امیر مؤمنان (علیه السلام) برای گزینش و انتخاب مسئولان قضا، وظایفی وضع کرد که رعایت آنها، سلامت و

کفایت قاضیان را تضمین می‌کند. قاضی باید پرهیزگار، استوار در دین، راسخ در عقیده و آگاه از اهمیت مسئولیت و ارزش رأی و قضاوت خود باشد؛ به گونه‌ای که هرگاه دریابد که در اظهار رأی، از عدالت منحرف شده و به حقیقت موضوع دست نیافته است، باید سریع از رأی خویش بازگردد. قاضی باید چنان از شرف نفس، پاکی وجدان و طهارت ضمیر برخوردار باشد که هرگز دل او به جانب مقامی، احترامی یا مالی نگراید (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

قاضی باید بدانند با توجه به اهمیت کار خویش، در صدور حکم از عجله بپرهیزد و در ابرام آن شتاب دوری کند. به علاوه بر اوست که در بررسی و تحقیق و کشف حقیقت بکوشد و جهات مختلف امر را بکاود؛ چه از این طریق است که او می‌تواند به جانب حق و آیین درست دست یابد. این شرایط باید در قاضی جمع شود و انتخاب افراد برای منصب قضا باید منوط به داشتن چنین شرایطی باشد. سپس می‌فرماید: ... در بذل مال به او گشاده‌دست باش چندان که نیازش را برطرف کند (همان).

۳. وظایف متقابل دولت با کارگزاران و نقش‌های آنها

همچنان که اشاره شد، امام، جامعه را همچون سیستم منظمی می‌داند که دارای اهداف والایی است. از این رو، برای اداره بهتر آن به برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، مشورت، سازمان‌دهی، نظارت کمی و کیفی و خودکنترلی به وسیله مدیران و دبیران (نویسندگان) نیازمند است؛ زیرا بخشی از وظایف مدیریتی کشور همچون برنامه‌ریزی بر عهده دبیران نهاده شده است. از این رو، در این سیستم تمامی عناصر با یکدیگر تعامل و به گونه‌ای متقابل به یکدیگر وابستگی دارند و برای رسیدن به فرجام کاملاً متعالی و مقدس، در سعی و تلاش هستند.

برنامه‌ریزی و آینده‌نگری از جمله وظایف مهم مدیران و دبیران منابع انسانی است. در کلام امیر مؤمنان این مسئله مورد توجه قرار گرفته است. حضرت می‌فرماید: «امارات الدول انشاء الحیل»؛ چاره‌جویی، از نشانه‌های دولتمندی است (غررالحکم، ۱۳۸۴، حدیث ۱۲۳۰). از جمله وظایف دیگر مدیران و کارگزاران حکومتی، «تصمیم‌گیری» مناسب برای رشد و بالندگی جامعه است. از این رو، هنگام تصمیم‌گیری باید زوایای گوناگون آن توسط مدیران بررسی شود تا نسبت به آن شناخت کافی حاصل شود. حضرت امیر می‌فرماید: «و لا تعجلوا فی امرٍ حتی تتبیینوا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲)؛ در هیچ امری (تصمیمی) عجله نکنید تا اینکه تحقیق و بررسی نمایید. ثبات در تصمیم‌گیری از جمله ویژگی‌های تصمیم‌گیری مؤثر است. توجه به مشورت صحیح در امر حکومت یکی از مؤلفه‌های مهم در اداره بهتر جامعه می‌باشد. از این رو، حضرت می‌فرماید: «هرگز با بخیل مشورت نکن که تو را از بخشش بازمی‌دارد و به تو وعده فقر می‌دهد» (همان).

چه بسا حاکم تصمیم کمک اقتصادی به بخشی از افراد نیازمند جامعه را داشته باش، که در این صورت مشاوره که صفت رذیله بخیل را دارد، او را از این کار منع می‌نماید. همچنین، می‌فرماید: «برای انجام مشورت در امور از افراد ترسو، حریص و کسانی که قبلاً مشاور و همکار اشرار بوده‌اند استفاده نکن. و آنان را محرم اسرار خود قرار نده» (همان).

همچنین، چگونگی «سازمان‌دهی» در سیستم و مجموعه را به ایشان یادآور می‌شود: «ثم إنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَبِطَانَةٍ فِيهِمْ إِسْتِثْنَاءٌ وَتَطَاوُلٌ وَقَلْبٌ إِنْصَافٍ فِي مَعَامِلِهِ فَاحْسِبْ مَادَّةَ أَوْلِيَّتِكَ بِقَطْعِ أَسْبَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ وَلَا تُقْطِعَنَّ لِأَحَدٍ مِنْ حَاشِيَتِكَ وَحَامَتِكَ قَطِيعَةً وَلَا يَطْمَعَنَّ مِنْكَ فِي اعْتِقَادِ عَقْدِهِ...» (همان)؛ ...دیگر آنکه هر زمامداری، یاران نزدیک و محرم اسراری دارد که در میان ایشان امتیازخواهی و درازدستی و بی‌انصافی در روابط اقتصادی پیدا می‌شود؛ اما توریشه ستم و فساد اینان را با بریدن اسباب آن برکن، مبادا به هیچ‌یک از نزدیکان زمینی واگذاری، و مبادا کسی از سوی تو به این طمع افتد که مالک آب و زمینی شود تا به همسایگان در آبیاری یا کار مشترک خسارت وارد آورد و بارش را بر دوش دیگران اندازد».

ازسویی دیگر، امکان دارد با رعایت همهٔ موارد، یکی از حالات یادشده اتفاق افتد در آن صورت: «حق را در موردی که باید -دور یا نزدیک- رعایت کن و در آن پایداری بورز و مزد نیکویش را از خدا بخواه و هرچه در این راه از خویشان و نزدیکان رسد، زیرا این گرچه بر تو گران آید اما چشم به پایان کار ببند که آن فرخنده است (همان). حضرت در بحث «نظارت» بر عملکرد مدیران نیز وظایفی را بیان می‌فرماید: «... رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو و وفایشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهان تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود. از همکاران نزدیک خود سخت مراقبت کن، اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال در اختیار دارد، از او باز پس گیر، سپس او را خوار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی بر گردنش بیفکن» (نهج البلاغه، ۵۳).

همچنین، از جمله مراقبت‌های آشکار می‌توان به گرفتن گزارش عملکرد مدیران و حسابرسی آنان اشاره نمود و ایشان در صورت کم‌کاری، خطا و سهل‌انگاری با واکنش جدی، بدون تعارف و سریع امام مواجه می‌شدند. نامه امام علیه السلام به یزید بن قیس ارجبی، گویای این مطلب است: «اما بعد، تو در ارسال اموال مالیاتی کوتاهی کرده‌ای؛ سبب این کار بر من پوشیده است، چاره‌ای نیست جز اینکه تو را به تقوای الهی سفارش کنم و از اینکه با خیانت به مسلمانان پاداشت را تباه سازی و جهاد خویش را بر باد دهی، تو را پرهیز می‌دهم. بنابراین، از خدا پروا کن، خویشتن را از آلوده شدن

به حرام منزه دار، راه بازخواست و نکوهش مرا بر خود ببند، احترام مسلمانان را نگهدار و به پناه جویان مملکت اسلامی ستم روا مدار.» (یعقوبی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۰ و ۲۰۱).

از نامه حضرت به کارگزار بصره، عثمان بن حنیف، نامه ایشان به مصقله بن هبیره، کارگزار اردشیر از شهرهای ایران، نامه ایشان به زیاد بن ابیه، کارگزار فارس و نامه حضرت به اشعث بن قیس، کارگزار آذربایجان، استفاده می‌شود که حضرت امیر (علیه السلام) در دوران حکومت خود از این روش بهره گرفته و از کارهای کلان و خرد کارگزارانش در جریان بوده است (به ترتیب نامه‌های، ۴۵، ۴۳، ۲۱، ۵).

۴. وظایف متقابل دولت با نویسندگان و نقش‌های آنها

«ثُمَّ انظُرْ فِي حَالِ كُتَّابِكَ فَوَلِّ عَلِيَّ أُمُورَكَ خَيْرَهُمْ وَاخْصُصْ رِسَالَتَكَ الَّتِي تُدْخِلُ فِيهَا مَكَائِدَكَ وَاَسْرَارَكَ بِأَجْمَعِهِمْ لَوْجُوهُ صَالِحِ الْأَخْلَاقِ». حضرت می‌فرماید: «در حال دبیرانت نظر کن و بهترینشان را به کارهای خویش بگمار، و نامه‌هایی که تدبیرها و رازهایت در آن نگاشته می‌شود، تنها به آن کس واگذار که در اخلاق شایسته، و از دیگران برتر باشد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

حضرت امیر (علیه السلام) در عهدنامه خود مشخص می‌کنند که چه کسانی شایسته این مسئولیت بزرگ‌اند و چه اشخاصی از تعهد این مهم عاجز هستند و شرایط وزرا را بیان می‌کنند. نسبت به صلاحیت هیئت وزیران و متعلقان آنان نیز به همان‌گونه تأکید می‌ورزد. به نظر ایشان کسانی که در گذشته، همدستی ستمگران و اشرار را به عهده داشتند، نباید در میان این جمع قرار گیرند؛ زیرا وجود این‌گونه افراد در این طبقه، پیامدهای وخیمی دارد و دولت را به تزلزل خواهد کشاند. به یقین، آنان که به ستمگری خو گرفته و آن را خوش داشته‌اند، به سادگی از عادت خود چشم نمی‌پوشند و دست از آن بازمی‌دارند و چنانچه نفسی تباہکار داشته باشند، با توجه به دامنه قدرت و نفوذشان، کل جامعه را تباہی خواهند کرد؛ زیرا نبض جامعه در دست آنهاست (نامه ۵۳).

۵. وظایف متقابل دولت با جزیه‌دهندگان و مالیات‌دهندگان و نقش‌های آنها

سیاست‌های مالی از جمله سیاست‌های مهم و مؤثر دولت برای دخالت در فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود و گرفتن مالیات عامل مهمی است که از گذشته مرسوم بوده است. حضرت می‌فرماید: «که همه فعالیت‌های اقتصادی براساس مالیاتی است که از مردم وصول می‌شود. بخش اعظم درآمد مالیاتی به سربازان، تهیدستان و کسانی داده می‌شود که درآمدشان مخارج زندگی را تأمین نمی‌کند.»

برخی بر این گمان‌اند که کاستن از مالیات‌ها، هنگام عسر و احتیاج کشاورزان، در قدرت و

اداره مالی دولت تأثیر سوء می‌گذارد؛ اما این یک تصور اشتباه است؛ زیرا تخفیفی که به دهقانان و کشاورزان داده می‌شود، کاری است که منافع آن به خود دولت بازمی‌گردد. برای این موضوع می‌توان نمونه‌هایی در تاریخ ذکر کرد. گرفتن مالیات از جمله عوامل تخریب شهرها و سپس ایجاد آشوب و شورش انسان‌ها در شهرها بر ضد دولت امویان بوده است و همچنین، عکس این مطلب را می‌توان در حمایت از مردم از دولت به شمار آورد. ناپلئون سوم، امپراتور فرانسه، کسی بود که سال‌ها با کشاورزان به عطف و مهر رفتار کرد و همین شیوه رفتار سبب شد تا دهقانان او را طرفدار خود تلقی نمایند و پیوسته او را مورد تأیید قرار دهند (بیضون، ۱۴۲۳، ص ۱۰).

امام می‌فرماید: «باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌شود و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد».

«پس اگر مردم از سنگینی خراج، یا از آفت کشت، یا از قطعی آب، و... شکایت داشتند، باید خراجی را که بسته‌ای، بکاهی تا کارشان راست آید، و باید کاهشی که سنگینی بارشان را به آن سبک می‌سازد، بر تو گران نیاید، که آن اندوخته‌ای است که از آبادانی شهرها و آراستگی قلمرو تو، به تو بازمی‌گردد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۶. وظایف متقابل دولت با بازرگانان و صنعتگران و نقش‌های آنها

امام پس از ذکر برخی اصناف جامعه و وابستگی‌های هرکدام از آنان به امر خراج (لشکریان، توده مردم و قاضیان) روزی همه آنها را وابسته به بازرگانان و امر خراج می‌دانند و بدین طریق، اهمیت موضوع بازرگانان را بررسی می‌کنند: «... همه اینان استواری نخواهند یافت، مگر به وسیله بازرگانان و صنعت‌پیشگان که به کار مردم به امید سود رو آورند و بازارها بدیشان رونق یابد و کار و کسب آنان از دست دیگران ساخته نیست...».

حضرت در فرازی از نامه خطاب به مالک، طبقه فعال را به سه دسته بازرگانان داخلی، بازرگانان خارجی و صنعت‌گران تقسیم می‌کند و با شناختی که از این طبقه دارند آنان را انسان‌هایی مسالمت‌جو و آرام و مفید به حال مردم می‌دانند: «ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتَّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا الْمُثْقِمِ مِنْهُمُ الْمَضْطَرِبِ بِمَالِهِ وَ الْمَتَرَفِّقِ بِبَدْنِهِ فَانَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ...» (نامه ۵۳).

«... و اما در مورد بازرگانان و صنعتگران، نصیحت‌پذیر باش و آنان را به نیکی پند ده، چه پیشه‌وری که مقیم است و چه آن‌که با دارایی‌اش در رفت‌وآمد است و چه کاسبی که به نیروی تن کسب روزی می‌کند [صنعت‌گران]؛ زیرا آنان سرچشمه سودها و مایه آسایش و راحتی‌اند و این

منافع را از سرزمین‌های دوردست و وادی‌های پرت، و از دریا و بیابان و کوه و دشت قلمرو تو، فراهم آورند؛ مناطقی که توده مردم را توانی نیست تا در آن گرد آیند و نه جرأتی که بدان پای گذارند. اینان مردم آرامی هستند که بیم خطرشان نمی‌رود و مسالمت‌جویانی هستند که گمان آشوبگری در مورد آنها نباشد. پس به کار آنان، چه در مرکز حکومت و چه در دیگر شهرهای کشور رسیدگی کن». حضرت علی (علیه السلام) بر مسئله نظارت، بسیار اهتمام می‌کرد. در نقل روایت آمده است که حضرت تازیانه خود را برمی‌داشت و در بازار گشت می‌زد تا اگر فردی برخلاف عدالت معامله کرد، مورد بازخواست قرار گیرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۵۱).

در عهدنامه مالک اشتر پس از بیان ارزش کسوت تجارت و صنعتگری و توصیه به همکاری و همراهی با آنان، مالک اشتر نخعی را از مسئله ایی باخبر می‌کند که خمیرمایه اصلی یک تجارت است و آن نداشتن طمع و حرص نسبت به دنیا و تبعات حاصل از آن است؛ زیرا امکان دارد هر صاحب صنعت و یا بازرگانی را دچار خودش کند. «... با این همه بدان که در بسیاری از ایشان تنگ‌چشمی آشکار و بخل زننده و احتکار منافع و نرخ‌گذاری خودسرانه در فروش وجود دارد که ضرر و زیانی است برای مردم و ننگی است برای جامعه...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در این فراز حضرت دو نکته را مورد اهتمام قرار داده‌اند:

نخست: اعلام ممنوعیت احتکار از ناحیه حضرت و مکلف نمودن دولت به برخورد شدید با محتکران؛

دوم: قیمت‌گذاری اجناس براساس عدالت صورت پذیرد و مکلف شدن دولت به ارائه نمودن نرخ‌گذاری منصفانه.

حضرت احتکار و گران‌فروشی را عامل ننگ دولت می‌داند.

۷. وظایف دولت و مردم در برابر نیازمندان و نقش‌های آنها

امام (علیه السلام) از همان روزهای نخست، سیاست حمایت از محرومان را اعلام داشت و فرمود: «اکنون هر ذلیل ستم‌دیده‌ای نزد من عزیز و ارجمند است تا حقش را بگیرم و به او دهم، و هر نیرومند سرکش نزد من ناتوان و حقیر است که حق ستم‌دیدگان را از او بستانم. ما به قضای خداوند، راضی و تسلیم فرمان او هستیم» (نهج البلاغه، خطبه ۳۷).

حضرت در نامه مشهور خود خطاب به مالک می‌فرماید: «برای این گروه سهمی را از بیت‌المال و سهمی را از غلات اراضی خالصه اسلام در هر شهر قرار بده. و بدان دورترین آنان همان مقدار سهم دارد که نزدیک‌ترین آنان دارد و باید رعایت کنی، (نسبت به آنان غفلت روا مدار)...»

کسی که بدو اعتماد داری و خداترس و متواضع است را مأمور امور آنان قرار ده. تا نیازها و مشکلات آنان را گزارش نماید.» همچنین می‌فرماید: «اداره امور یتیمان و سالخورده‌گان را که بیچاره شده‌اند و دست نیاز پیش کسی دراز نکرده‌اند را برعهده گیر. اگرچه این کار بر حاکمان سنگین است و حق همه‌اش سنگین است، اما حق تعالی گاه آن را بر کسانی سبک می‌کند، آنان که جویای عاقبت نیک هستند خود را شکیبیا ساخته‌اند و به وعده راست الهی اطمینان دارند» (نامه ۵۳).

تحلیل سؤال فرعی سوم: عناصر برون‌دای الگوی سیستمی ساختار اجتماعی چیست؟

امروزه با وجود پیشرفت چشمگیر علوم و فنون مختلف و ایجاد مشاغل گوناگون و توسعه و سازندگی‌ها در جوامع متعدد، اگر با نگاهی دقیق و موشکافانه به واکاوی مسئله اشتغال پردازیم، می‌بینیم که طبقات اجتماعی از این هفت قشر خارج نبوده و فراتر از آن نمی‌روند؛ چنان‌که امیرمؤمنان بیش از هزار و چهارصد و اندی سال پیش این اقشار را به بهترین وجه تقسیم نمودند و احکام هر یک را به صورت دقیق و شفاف توضیح دادند. اکنون به برون‌دادهای عناصری می‌پردازیم که حضرت در نهج البلاغه اشاره فرمودند.

اصل اولیه و مهم در رشد و پیشرفت این عناصر با یکدیگر در مجموعه یک ابرسیستم به نام جامعه، هماهنگی و همسویی و حرکت در مسیری مشخص توأم با برنامه‌ای معین و هدفی متعالی می‌باشد که شارع مقدس برای آنان از پیش تعریف کرده است. همچنان‌که امیرمؤمنان می‌فرماید: «واعلم أن الرعية طبقات لا يصلح بعضها إلا ببعض، و لا غنى ببعضها عن بعض: فمنها جنود الله و منها كتاب العامة و الخاصة و...» (نامه ۵۳). حضرت وابستگی و تکیه هر عنصر به عنصر دیگر را لازم و ضروری می‌شمارد. می‌توانیم این مسئله را همچون نردبانی یا قله بلند کوهی تصور کنیم که برای رسیدن به ارتفاع و مقصد نهایی نیازمند است که گام‌ها، به ترتیب و براساس نقشه و برنامه‌ای مشخص و از پیش تعیین شده سپری شود. در الگوی سیستمی، درون‌دادهای ورودی‌های سیستم بوده که در بخش فرایندی بر روی آنها پردازش صورت گرفته و سرانجام به عناصر برون‌دای تبدیل می‌شوند؛ برون‌دادهای الگوی سیستمی ساختار اجتماعی مشتمل بر موارد متعددی است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

امنیت (داخلی و مرزی)

«فالجَنودُ يَأْذِنُ اللهُ حُضُورَ الرَعِيَّةِ وَ زِيْنَ الْوَلَاءِ وَ عَزَالَ دِيْنَ وَ سَبَلَ الْاَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَعِيَّةُ اِلَّا بِهَمِّ»؛ (نامه ۵۳). نخستین ورودی، که در فرمایش حضرت بیان می‌شود، عنصر نظامیان هستند. حضرت با به کار بردن واژه‌هایی مانند «حصن رعیت»، «سبل الامن» و «تقوم الرعية» اشاره به برون‌داد این

عنصر کوشا می‌کند؛ زیرا امنیت و آرامش و قوام آحاد جامعه جز به وسیله آنان به دست نمی‌آید؛ زیرا زندگی بدون امنیت چیزی جز آشوب و نگرانی به همراه ندارد. از این رو، اقتدار سیاسی و بین‌المللی، نفوذ راهبردی در میان بلاد و ملل مختلف، واهمه دشمنان و جلوگیری از لطمه و حمله احتمالی به کشور، توسعه و پیشرفت در روابط بین‌الملل، آسودگی مردم و افزایش روحیه امید و ترغیب به رشد و بالندگی در عرصه‌های گوناگون در صورت برقراری امنیت، از جمله برون‌دادهای این عنصر مهم به شمار می‌رود.

۲. ایجاد تعهد کاری و تأمین قراردادها

از جمله عناصر ورودی در گفتار حضرت، کتاب و منشیان و نویسندگان نامه‌ها و قراردادها و روسای دفاتر مختلف است که برون‌دادهای آنها در تأمین قراردادها و تفاهم‌نامه‌ها مشخص می‌شود. امام علی (ع) با عنوان کُتَّاب عامه و خاصه از آنها یاد کرده و می‌فرماید: «لَا تَقْضِرُ بِهِ الْغَفْلَةُ عَنْ إِيْرَادِ مَكَاتِبَاتِ عَمَالِكَ عَلِيَّكَ»؛ (همان) غفلت از او باعث نشود که در وصول نامه‌ها و پاسخ‌نامه‌ها کوتاهی ورزد...؛ یعنی کسی این مسئولیت مهم را عهده‌دار شود که شایستگی‌های اخلاقی داشته باشد. از این رو، نوشتن نامه‌ها و کتمان اسرار حکومتی از رسالت‌های این عنصر شمرده می‌شود. بنابراین، باید از اخلاق بهتری نسبت به سایرین برخوردار باشد. این عنصر که بار فرهنگ و رشد عقلانی و علمی جامعه را بر دوش دارند. به دلیل رسانه بودن از اهمیت بسزایی برخوردارند. بالا بردن سطح فرهنگ عمومی جامعه، تعلیم و تربیت نیروهای خلاق، عقد قراردادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی (داخلی و فرامرزی)، حفظ اسرار نظام، مشاوره و خیرخواهی به حاکمان، پاسخ به نیازهای عمومی جامعه را می‌توان از آثار و برون‌دادهای این طبقه نام برد.

۳. عدالت و اصلاح

{أَفْضَلُ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ مِمَّنْ لَا تَضِيْقُ بِهِ الْأُمُورُ}؛ (همان) قاضی می‌بایست افضل رعیت باشد تا از قضاوت، رفتار و عملکرد او عدالت و اصلاح استخراج شود. عنصر دروندادی قاضیان از جمله عناصری است که در صورت سلامت قاضی از رذایل و رسیدگی به امور و تأمین معیشت آنان، آثار و برون‌دادهایی همچون: جلوگیری از خیانت به اموال و نفوس مردم، کمک به رشد عدالت در جامعه و در نتیجه کاهش جرم و جنایت و رضایت عمومی مردم از این سیستم و امیدواری در حل مسائل و مشکلاتشان را به همراه دارد. بنابراین، عنصر قضاوت دارای برون‌دادهایی متقابل برای خود قاضی، متخصصین و سایر افراد طبقات در بردارد.

۴. تولید و بهره‌وری سازمانی

{عَمَّالِ انصاف و رفق}؛ {فَاسْتَعْمَلَهُمْ إِيْتِبَارًا...}؛ «بهره‌وری با گزینش صحیح صورت می‌گیرد»؛ (همان)؛ اگر عناصر این سیستم با آزمایش و امتحان و مشورت صحیح، گزینش گردند، بروندادی مطلوب از این عنصر حاصل می‌شود. جلوگیری از فساد و انحطاط سیستمی و اعضای سیستم در امور مالی، رشد و تولید و توسعه سازمان و مجموعه، تسریع در برنامه‌های عملیاتی سیستم، بهبود وضع معیشتی عناصر مجموعه، سودآوری و بهره‌وری سازمانی، امنیت اقتصادی عناصر سیستمی، تأثیر مستقیم سلامت رفتاری مدیر بر عملکرد اعضای مجموعه، نظارت و کنترل صحیح = بازدهی و بازخورد متقابل از طرف سایر عناصر سیستمی از جمله موارد بروندادی محسوب می‌شود

۵. آبادانی و پیشرفت

{يَعُودُونَ بِهٖ عَلِيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ} (نامه ۵۳)؛ در صورت درک شرایط نامناسب اقتصادی و مهلت و فرصتی که از ناحیه دولت در اخذ مالیات به مردم داده می‌شود؛ آرامش روانی و آبادانی و توسعه جامعه تضمین می‌شود و در بزنگاه‌های اقتصادی به کمک دولت می‌شتابند. مردم (اعم از اهل کتاب و مسلمانان) با پرداخت حقوق مالی خود، آبادانی، رشد و پیشرفت را به جامعه هدیه می‌دهند. و اقلیت‌های مذهبی نیز در قبال این پرداخت جان و مال آنان مصونیت پیدا می‌کند. همچنین در صورت تحریم یا موانع خارجی که احیاناً توسعه اقتصادی یک جامعه را تهدید می‌کند، قطعاً عاملی مؤثر در رشد اقتصادی آن کشور محسوب می‌شود. برای نمونه در کشور ایران، این عنصر می‌تواند عامل بازدارنده بسیار مطلوبی در قبال تحریم‌ها و برخی از عهدشکنی‌های بین‌المللی باشد.

۶. رفاه و آرامش

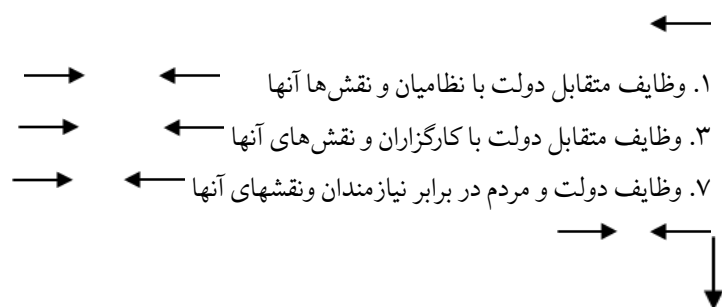
{فَاِيْتَهُم مَّوَادُّ الْمَنَافِعِ وَاَسْبَابُ الْمَرَافِقِ}؛ (همان)، چرخش امور زندگی و آسایش اقتصادی و مایه‌های منافع جامعه در پرتو عنصر بروندادی رفاه و آرامش نهادینه می‌شود؛ چراکه بازرگانان و صنعتگران به‌عنوان عناصر دروندادی، اهل فتنه و آشوب نیستند، بنابراین با حرفه یا صنعتی که از آن برخوردارند، موجبات رفاه و آسایش و اسباب روزی را برای دولت و ملت به همراه می‌آورند. در صورت بهره‌برداری مفید و بهینه از منابع و معاملات اقتصادی، قدرت اقتصادی و خرید مردم و حتی ایجاد اشتغال افزون می‌شود. و در نتیجه در روابط بین‌الملل و تبدیل شدن به قطب اقتصادی منطقه مؤثر خواهد بود.

۷. تأمین و حمایت

گروه دیگری از طبقات اجتماعی مشتمل بر طبقه پایین جامعه در الگوی سیستمی آن حضرت وجود دارد که ایشان سفارش اکید درباره حمایت از آنان دارند چنانچه در نهج البلاغه آمده است «اللّٰه فی الطبقة السفلی من الذین لا حیلہ لهم من المساکین والمحتاجین واهل البوء سی والزمنی (نامه ۵۳) در ادامه عناصر برون‌دادی حاصل از وظایف حاکمان و مدیران و ایفای نقش آنان در خصوص نیازمندان را رسیدگی و حمایت از محرومان ذکر می‌کند چنانچه می‌فرماید «قِسْمًا مِنْ غَلَّاتِ صَوَافِی الْاِسْلَامِ فِی کُلِّ بَلَدٍ»؛ (همان)، «تأمین نیازمندان با قرار دادن سهمی از بیت‌المال و سهمی از اراضی خالصه اسلام»؛ «تَعَهَّدَ اَهْلَ الْیَتِیْمِ وَ ذَوِ الرَّقْعَةِ فِی السِّنِّ مَمَّنْ لَا حِیْلَ لَهُ»؛ (همان)، «حمایت از یتیمان و سالخورده‌گان که دست نیاز پیش کسی دراز نکرده‌اند و آبرومند هستند» این عنصر که خواه‌ناخواه بخشی از هسته جامعه را به خود اختصاص می‌دهد، اگر مورد توجه و حمایت دستگاه‌ها، سیستم‌ها، نهادها و مردم از جهات مختلف اقتصادی، عاطفی و... قرار گیرند، بسیاری از آسیب‌ها و خطرات ناشی از کمبودها نسبت به آنان کاسته می‌شود، چراکه در سایه سنگین فقر، بی‌ایمانی و انواع رذایل اخلاقی و فرهنگی نهفته شده است. شخص فقیر با کمبود مواجهه است و اگر تأمین نشود این کمبود اندک‌اندک در دین، اعتقاد و باورهای او نیز رخنه می‌کند و امید، نشاط و روحیه اعتمادبه‌نفس او کاهش می‌یابد و این جریان او را از مسیر طاعت و بندگی خدا به سمت شیطان و هواهای نفسانی سوق می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

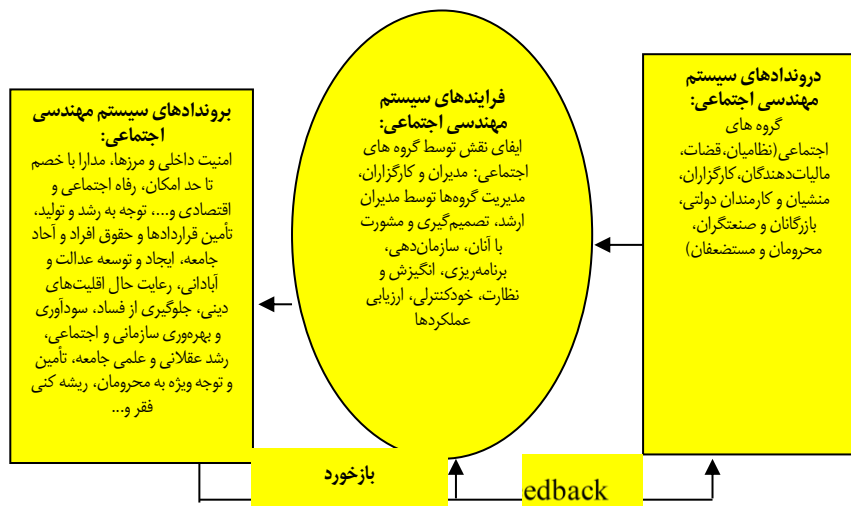
نتایج حاصله از مباحث پیش‌گفته نشان می‌دهد که الگوی سیستمی ساختار اجتماعی از منظر امام علی (علیه السلام) دارای عناصر درون‌دادی، عناصر فرایندی و عناصر برون‌دادی است که در نمودار زیر به نمایش درآمده است.



۱. ایجاد تعهد کاری و تأمین قراردادها

۲. امنیت (داخلی و مرزی)

۳. عدالت و اصلاح



(مدل خیلی ساده و معلوم نیست چگونه اعتباریابی شده است ابعاد مدل به این سادگی نیست در چنین صنوف و روابط مؤلفه‌ها و نظام حکمرانی از چه پارادایم طولی و عرضی استفاده شده است؟ میزان دخالت دولت در اخذ مالیات بخش خصوصی ارائه خدمات کوچک و بزرگ بودن اندازه دولت تفکیک قواست یا ولایی اگر ولایی است بخش قابل توجهی از تئوری پردازی به مدیریت دولتی رایج پرداخته پس معرفت‌شناسی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی بخصوص در مبحث مدیریت و حکمرانی رابطه‌اش با پارادایم‌ها چیست؟)

سامانمند بودن جامعه یک امر اجتناب‌ناپذیر و عادلانه است و نفس سیستمی شدن و ایجاد گروه‌بندی در افراد انسانی با توجه به استعدادهای اکتسابی آنان کاملاً معقول است. امیرمومنان علی (علیه السلام) با طرح واقعیتی به نام «طبقات اجتماعی و با نگاه سیستمی به آنها با طرح نیازمندی آنها به همدیگر، این حقیقت را رهنمون می‌شوند که گروه‌ها و سیستم‌های اجتماعی نتیجه ضروری نیازهای انسان و عدم توانایی آدمی در رفع آنها بدون کمک از دیگران است. تحلیل گزاره‌های علوی درباره هریک از اقشار جامعه در قالب عناصر دروندادی، فرایندی و بروندادی نشان می‌دهد که اقشار مختلف جامعه بسان سیستم‌هایی هستند که نیازمند به یکدیگرند. در حکومت علوی، هم مردم و گروه‌های اجتماعی به‌عنوان خرده‌سیستم‌های درون ابرسیستم جامعه دارای حق و مطالبات خود از حاکمان هستند و هم والیان و مسئولان بر مردم و گروه‌های اجتماعی دارای حق می‌باشند.

بنابراین، با تأمل در گفتار و سیره‌ی امیرمؤمنان (علیه السلام) در مسئله ساختار اجتماعی، می‌توان دریافت که ایشان با اقتدار کامل به اقدام همه‌جانبه و متوازن بر اصلاحات ساختاری و به‌کارگیری افراد متعهد و متخصص در رأس امور، نظارت بر حسن انجام تعهدات دولت و کارگزاران، رعایت عدالت در به‌کارگیری بیت‌المال و نظارت بر حسن اجرا در اموال عمومی، تدوین سیستم اجرایی در امر مالیات و خراج و نظارت بر آن امور، تدوین نظام‌نامه‌ی حسابرسی و نظارت بر عملکرد مالی ادارات دولتی و کنترل بازار و اجرای تعزیرات حکومتی مبادرت ورزید و الگویی برای تمام حاکمان اسلامی در همه‌ی اعصار و قرون به وجود آورد.

منابع

✽ قرآن مجید

✽ نهج البلاغه

۱. بیضون، لیب (۱۴۲۳ق). مدخل الی نهج البلاغه، دمشق: دارالعلوم.
۲. تاملین، ملوین (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
۳. رضایی، حسین (۱۳۹۷). «ضرورت و فلسفه وجود قشرها و طبقات جامعه با تأکید بر وظایف و مشخصه‌های هر طبقه در نهج البلاغه»، مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۷، ص ۸۳-۹۶.
۴. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۶). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌ها، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. شفیعی، عباس (۱۳۹۶). رویکرد اسلامی به مدیریت رفتار سازمانی در سطح سازمان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. عابدی، محمود (۱۳۸۶). جستجویی در نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی شمس‌الدین، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۷. فغفور مغربی، حمید (۱۳۹۰). سیره اجتماعی سیاسی امام علی (علیه السلام)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. گولد، جولیس و ویلیام کولب (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، تهران: مازیار.
۱۰. گرب، ادوارد (۱۳۹۴). نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه احمد رضا غروی راد و محمد سیاهپوش، تهران: معاصر.
۱۱. وثوقی، منصور (۱۳۷۰). مبانی جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران: نشر خردمند.
۱۲. هومن، علی حیدر (۱۳۸۶). شناخت روش علمی در علوم رفتاری، تهران: سمت.
۱۳. هیئت تحریریه بنیاد نهج البلاغه (۱۳۷۳). مسائل جامعه‌شناسی، تهران: مدرسه مکاتباتی نهج البلاغه.
۱۴. یعقوبی، أحمد بن ابی یعقوب (۱۴۰۴ق). تاریخ، تحقیق عبدالامیر مهنا، تهران: نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات.